

Unit 4 book 6

اتاق زیر شیروانی

اتاق زیر شیروانی اتاقی درست زیر سقف خانه است.

در اتاق زیر شیروانی آنها دو پنجره وجود داشت.

تکه

تکه قطعه ای ضخیم و جامد از چیزی است.

وقتی آنها سنگ را باز کردند ، دیدند که این سنگ با تکه های طلا پر شده است.

مدنی

اگر چیزی مدنی است ، پس مربوط به یک شهر ، به ویژه دولت آن است.

بیشتر ساختمانهای مهم مدنی در مرکز شهر واقع شده اند.

نزول

نزول حرکتی به سمت پایین است.

در طول فرود شاتل فضایی ، زمین بزرگتر و بزرگتر شد.

هیاهو کردن

صدای شلوغی صدای بلند ، ناخوشایند و طولانی است.

غوغای ماشین آلات زده کارخانه را به مکانی وحشتناک برای کار تبدیل کرده است.

ناراضی بودن

نارضایتی از کسی به معنای عدم رضایت او است.

او از وعده غذایی خود ناراضی بود.

سر و صدا

سر و صدا رفتاری هیجان زده یا آزاردهنده است که به هیچ وجه مفید نیست.

کودک غوغایی وحشتناک به پا کرد زیرا نمی خواست به رختخواب برود.

خوش خوراک

اگر غذا مطبوع باشد ، از غذای معمولی بهتر و گرانتر است.

برای تهیه یک وعده غذایی لذیذ ، باید در یک رستوران گران قیمت غذا بخورید.

از این رو

اگر از این رو اتفاقی بیفتد ، در نتیجه اتفاقی می افتد.

جان کلید را فراموش کرد. از این رو ، ما نمی توانستیم در را باز کنیم.

ذاتی

اگر چیزی ذاتی باشد ، پس به ماهیت اساسی آن چیز مربوط می شود.

پول کاغذی ارزش ذاتی ندارد. صرفاً به این دلیل مفید است که جامعه چنین می گوید.

کتری

کتری یک گلدان بزرگ فلزی است که برای جوشاندن مایعات یا پخت غذا استفاده می شود.

سوپ در یک کتری بزرگ در حال طبخ بود.

وزارتخانه

وزارت یک اداره دولتی است.

وزارت تجارت مسئول مالیات بر واردات و صادرات است.

امتحان سخت

امتحان سخت تجربه بدی است.

رانندگی در طوفان برفی امتحان سختی بود که هرگز فراموش نمی کرد.

صریح

اگر کسی صریح باشد ، پس از گفتن آنچه فکر می کند نمی ترسد.

او منتقد صریح قوانین جدید بانکی بود.

کار زیاد

زیاد کار کردن به معنای خسته کردن او با کار زیاد است.

بعد از سه هفته کار فقط با یک روز استراحت ، جودی بیش از حد کار کرد.

خاص

اگر چیزی خاص باشد ، پس آن یک قسمت مهم از یک گروه چیزهاست.

فروشگاه لباس لباس خاصی را که به دنبالش بود ، نداشت.

تند

اگر چیزی تند است ، پس مزه یا بوی شدید و تندی می دهد.

طعم سیر آنقدر تند بود که آشپز آن را سرو نمی کند.

خروپف کردن

خروپف به معنای ایجاد صدای بلند در هر بار نفس کشیدن در خواب است.

خوابیدن غیرممکن بود چون شوهرم خرخر می کرد.

صدا

اگر کاری درست انجام شده باشد ، پس به بهترین یا کامل ترین شکل انجام می شود.

نزدیکترین حریف ده متر عقب بود. او کاملاً برنده مسابقه شد.

سرپرست

سرپرست شخصی است که اداره یا ساختمان خاصی را اداره می کند.

ناظم به دلیل آب و هوا تصمیم به تعطیلی مدارس گرفت.

روز بد خدمتکار

سرپرست پروژه های مدنی فردی پر مشغله بود. او هر روز از هفته کار می کرد و هر شب در خانه خود مهمانی های شیک داشت.

با این حال ، اگر کسی شلوغتر از او بود ، خدمتکار او بود. او تمام روز را در سازماندهی میهمانی های سرپرست کار می کرد و سپس اواخر شب به تمیزکاری می پرداخت. از این رو ، در حالی که ناظم آرام می خوابید ، و در تختخوابش خروپف می کرد ، خدمتکار هنوز بیدار بود.

متأسفانه ، خدمتکار همیشه بیش از حد کار می کرد ، اما ذات ذاتی حرفه اش ایجاب می کرد که هرگز صریح نباشد. بنابراین ، کارفرمای او هرگز نمی دانست خدمتکار چند روز نخوابیده است. در هر روز خدمتکار ممکن است اشتباه کند.

یک روز ، ناظم گفت: "این مهمانی خاص مهم است. افراد از وزارت می آیند. همه چیز باید عالی باشد."

خدمتکار یک باره شروع به آماده سازی کرد. ابتدا به اتاق زیر شیروانی رفت تا صندلی و میزهای بیشتری تهیه کند. اما در تبار خود فهمید که باید غذا درست کند. یک شام لذیذ برای چنین مهمانی لازم بود. او آب را در کتری جوشاند و مقداری گوشت گاو را خرد کرد. درست زمانی که مشغول شروع سوپ بود ، به یاد آورد که باید ایوان را جارو کند. همانطور که مشغول جارو زدن ایوان بود ، متوجه شد که باید سونا را تمیز کند.

در این زمان ، اولین مهمانان رسیده بودند. ایوان هنوز کثیف بود. صندلی کافی برای نشستن مهمانان وجود نداشت و طعم سوپ خیلی تند بود. بعضی از میهمانان ناراضی بودند. آنها شروع به سر و صدا کردند و مهمانی پر از شکایت بود.

مهمانی سرپرست یک فاجعه بود. او تعجب کرد که چرا خدمتکار او این همه اشتباه کرده است. سرانجام ، خدمتکار اعتراف کرد که خسته شده است. رئیس او نسبت به خدمتکار دلسوزی کرد. او نمی دانست خدمتکار خیلی خسته است. او گفت ، "شما باید زودتر به من می گفتید ، پس ما می توانستیم از این مصیبت کامل جلوگیری کنیم."